

واکاوی تغییرات نسلی در سبک زندگی جامعه عشایری (مطالعه موردی: طایفه بایاری، استان کهگیلویه و بویراحمد) صادق اصغری لقمجانی^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه زابل، زابل، ایران

حمیدرضا نسیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه زابل، زابل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

چکیده

جامعه عشایری ایران، دوره‌ای گذار از سبک زندگی سنتی به سبک زندگی جدید را تجربه می‌کند که این گذار از منظر تغییرات رخ داده در سبک زندگی دو نسل قبل و بعد از انقلاب در عشایر طایفه بایاری استان کهگیلویه و بویراحمد قابل توجه می‌باشد. در این تحقیق، وضعیت سبک زندگی ۲۵۸ نفر در دو نسل مختلف از این طایفه با به کارگیری تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است و داده‌های تحقیق از طریق به کارگیری آزمون‌های آماری مناسب و با کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است. نتایج حاصل بیانگر تفاوت معنادار بین دو نسل جامعه عشایری از منظر مؤلفه‌ها و عادتواره‌های سبک زندگی می‌باشد که تا حدی به شکاف نسلی منجر شده است. بیشترین تغییرات در دو مؤلفه‌ی سطح مشارکت و بهداشت بوده است و در ارتباط با به کارگیری لهجه، تفاوت معناداری در بین افراد دو نسل مشاهده نشده است. با توجه به نقش بی‌بدیل عشایر در اقتصاد کشور و بر اساس نتایج تحقیق، ضرورت تدوین و اجرای برنامه‌های متناسب در جهت کنترل تغییرات نسلی جامعه عشایری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، تغییرات نسلی، جامعه عشایری، طایفه بایاری.

مقدمه

جوامع مختلف همیشه به صورت آرام و تدریجی با تغییراتی در عناصر ساختی، فرهنگی، الگوها و ارزش‌ها یا ایدئولوژی‌ها روبرو بوده‌اند (Bustani & Chari Sadegh, 2013: 8) اما هیچ‌گاه در گذشته به نسبت چند دهه‌ی اخیر، با چنین سرعتی در تمام زمینه‌های تجربیات انسانی، با این تغییرات پرشتاب درگیر نبوده‌اند (Kamarbeigi, 2010: 187). از جمله تغییرات جوامع که پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند «فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیازها» دارد، تلاشی گسترده برای تثبیت سبک خاصی از زندگی می‌باشد (Featherstone, 1991: 10). در واقع، نسل‌های جدید تمامی رفتارهای نسل پیشین را به طور کامل تکرار نمی‌کنند. بلکه این تکرار با انتقاد یا رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا تغییر و نوآوری همراه است (Battamour, 1991: 342). این امر نتیجه حرکت تکوینی و رو به رشد انسان می‌باشد، چیزی که در مسیر زندگی یک فرد هم اتفاق می‌افتد، چه رسد به نسل‌هایی که از پی هم می‌آیند. میل فزاینده به نوجویی، تجدد و امروزی شدن انکار شدنی نیست (Shahabi & Zokaei, 2012: 8). لذا تغییر دائمی، اجتناب‌ناپذیر است و امری مذموم و ناپسند شمرده نمی‌شود (Abbasi-asfjir et al, 2013: 182). چرا که اگر تغییر و تحولی میان نسل‌ها اتفاق نمی‌افتاد، هیچ پیشرفتی برای بشر به دست نمی‌آمد. این تحولات و شکل‌گیری نگرش‌های نو در فرزندان است که جاده‌ی پیشرفت و ترقی را هموار می‌نماید.

با توجه به تنوع و تکثر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، با پایان یافتن جنگ تحمیلی، کم‌کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان‌های بین‌المللی بوده‌ایم (Bayangani et al, 2013: 59)، مسائلی همچون فرآیند نوسازی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین، رشد وسایل ارتباطات جمعی ملی و جهانی، نحوه‌ی تربیت و اجتماعی شدن فرزندان (Bustani & Chari Sadegh, 2013: 9)، نسل‌های بعد از انقلاب را بیشتر در معرض رسانه‌ها و جهانی شدن قرار داده است (Saraei & Oujaghlo, 2013: 40) و به تدریج بر سبک زندگی مردم تأثیر گذاشته و سبب ظهور تغییرات فرهنگی گسترده در جامعه گردیده است (Ashoori, 2014: 82). تحولی که علاوه بر نسل‌های جامعه، حتی در درون خانواده نیز پدیدار گشته و بر میزان موفقیت تحصیلی، میزان وقوع جرم و انحرافات اجتماعی، روحیه تعاون، الگوی مصرف، رشد و توسعه مؤثر بوده است (Rafiee Jirdehi & Habibzadeh Khotbehsera, 2013: 129).

از این حیث، جامعه عشایری هم به عنوان جامعه در حال گذار، دستخوش این تحولات و دگرگونی‌ها بوده است (Azkia & Hoseini Roodbaraki, 2010: 242). این تغییرات در سبک زندگی جامعه عشایری نسبت به جامعه شهری از چنان شتابی برخوردار بوده است که در بیشتر جهات از شکل سنتی خود دور گردیده است. به نحوی که می‌توان از آن به عنوان پدیده «شهری شدن روستا یا عشایر» نام برد (Arjmand Siahpush & Heidari Zargush, 2012: 91-92).

در این راستا، در طی دهه‌های گذشته، کانون عشایری طایفه بایاری ساکن در روستاهای شهرستان چرام استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از ظواهر مدرنیته و فناوری‌هایی چون برق، آب، زیرساخت‌ها و وسایل ارتباطی مانند اتومبیل، تلویزیون و ... بهره‌مند شده‌اند. این بهره‌مندی‌ها در واقع زمینه‌ساز تغییرات نسبی در جلوه‌های سبک زندگی

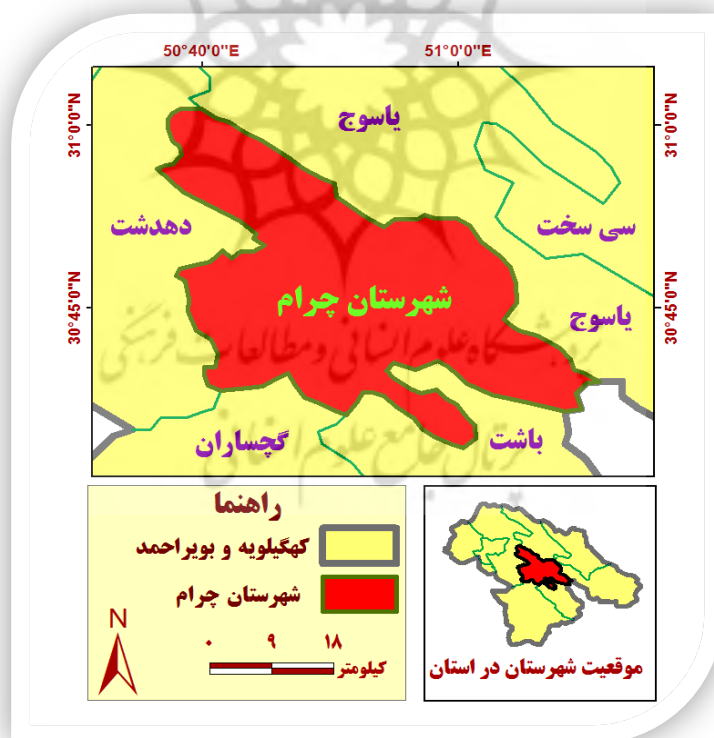
کنونی جامعه عشایری می‌باشد که نوید سبک زندگی نوینی را می‌دهد (Salahi Esfahani & Khojasteh, 2014: 163) و در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به‌طور کلی سبک زندگی به‌شدت تغییر ایجاد می‌کند (Azkia & Hoseini Roodbaraki, 2010: 243). در این راستا، با تحلیل سبک زندگی این جوامع، می‌توان از نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های پنهان که در ذهن، باور و کارکردهای افراد وجود دارد، اطلاع یافت و از جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری، تفسیر و تصویر واقع‌بینانه‌تری ارائه داد (Bayangani et al, 2013: 59). بر این اساس، از آنجایی که روابط بین نسلی هم می‌تواند به تعامل و تفاهم بین افراد یک جامعه و هم با شکاف و تعارض بین نسلی به بروز تضاد و افزایش نابسامانی‌های اجتماعی منتهی شود (Bustani & Chari Sadegh, 2013: 10)، تداوم چنین مطالعه‌ای در بعد زمان می‌تواند روند تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی را آشکار سازد و به برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی در انتخاب سیاست‌های مناسب کمک شایانی نماید. لذا تحقیق حاضر با هدف بررسی و مقایسه سبک زندگی نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری بایاری استان کهگیلویه و بویراحمد، در پی پاسخ به این سؤالات اساسی می‌باشد که سبک زندگی در جامعه عشایری طایفه بایاری ساکن در روستاهای شهرستان چرام، از نسل قبل از انقلاب تا نسل کنونی چه تغییراتی داشته است و شدت تغییرات در مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی چگونه است؟

پژوهش حاضر از نوع، کاربردی و از نظر ماهیتی در زمره تحقیقات توصیفی-پیمایشی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی است. بدین ترتیب که پس از مطالعه مبانی نظری و آثار مرتبط با موضوع تحقیق، به‌منظور عملیاتی کردن متغیرها، فهرستی جامع از نشانگرهای منطبق با موضوع و جامعه‌ی عشایری مورد نظر تدوین و در ۱۱ مؤلفه گروه‌بندی گردید. سپس در جهت تحقق اهداف مورد نظر، شاخص‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ سطحی (خیلی کم تا خیلی زیاد) و در چارچوب مطالعات میدانی با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه با خبرگان و مشاهدات میدانی مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل عشایر طایفه بایاری ساکن در روستاهای شهرستان چرام می‌باشند که حدود ۷۸۶ نفر را شامل می‌گردد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد معادل ۲۵۸ نفر تعیین شده است که به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیده‌اند. سپس جهت بررسی تغییرات نسلی سبک زندگی، از کل جامعه نمونه، تعداد ۱۲۹ نفر معرف نسل پیش از انقلاب و تعداد ۱۲۹ نفر معرف نسل پس از انقلاب مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. برای آزمون روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. پایایی نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید، این ضریب از عمومی‌ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Anabestani et al, 2011: 75). در این راستا، مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها، در تمامی مؤلفه‌های تحقیق بیش از ۰/۸۱۷ بوده است که بر این اساس، پایایی پرسشنامه تأیید شده است. نهایتاً تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو روش آمار توصیفی و استنباطی و با کمک نرم‌افزار SPSS انجام گردید.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان چرام در بخش مرکزی استان کهگیلویه و بویراحمد و در امتداد رشته کوه‌های زاگرس قرار دارد که بر این اساس، منطقه‌ای کوهستانی محسوب می‌گردد. این شهرستان با مساحت ۱۲۹۵ کیلومتر مربع در مختصات $50^{\circ}36'$ تا $51^{\circ}10'$ طول شرقی و $30^{\circ}32'$ تا $31^{\circ}01'$ عرض شمالی و در میانگین ارتفاعی ۸۵۰ متری از سطح دریا واقع شده است. شهرستان چرام، از شمال و شرق به شهرستان یاسوج (بویراحمد)، از غرب به شهرستان دهدشت (کهگیلویه) و از جنوب به شهرستان‌های باشت و گچساران مرتبط می‌باشد (شکل ۱). این شهرستان دارای دو بخش، چهار دهستان و ۱۶۰ آبادی می‌باشد. اسم رسمی و کنونی شهرستان چرام بر اساس فرهنگ لغت دهخدا به معنی چراگاه می‌باشد که به دلیل وجود دشت‌ها و چراگاه‌های وسیع آن بوده است. زیرا چراگاه‌ها و مراتع، ۸۸ درصد از مساحت این شهرستان را به خود اختصاص می‌دهند. این شهرستان دارای بارش سالانه کم و شرایط آب و هوایی معتدل می‌باشد که در آن میزان نوسان دمای زمستان و تابستان حدود 30° است. ساکنان شهرستان چرام به زبان لری بویراحمدی تکلم می‌کنند و به دلیل وجود اراضی مرغوب کشاورزی و مراتع فراوان، اشتغال غالب آنها، کشاورزی و دامداری می‌باشد. جامعه عشایری بایاری شهرستان چرام نیز بین ایل‌های بویراحمد سفلی، بویراحمد گرمسیر، باشت و باوی و بویراحمد علیا واقع شده‌اند (The gubernatorial of Cheram County, 2016).



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه Source: Authors

مبانی نظری

تغییر در نظام ارزشی مسئله‌ی مشترک جهان معاصر از جمله کشور ما می‌باشد. کاهش روزافزون اقتدار جامعه‌ی بزرگسال بر نسل‌های جوان‌تر در اثر افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با جهان جدید در

مقابل ناتوانی و ضعف نسل های سالمند، ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود با تحولات پرشتاب و پیچیده‌ی عصر جدید از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل های جوان معاصر به شمار می‌روند (Tavakol & Ghazinejad, 2006: 96-97). بر این اساس، وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به مفاهیمی نو برای درک آن نیازمندیم و سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که قابلیت بیشتری برای شناخت دقیق‌تر از رفتارها و پیش‌بینی آن‌ها دارا می‌باشد (Fazeli, 2003: 169).

سبک زندگی برگرفته از نخستین و ابتدایی‌ترین آموزش‌های ماست که منجر به شکل‌گیری جامعه فردا می‌شود. مشکلی که در جامعه ایران با آن روبه‌رو هستیم، شکل‌گیری نگرش‌های نو در سبک‌های مختلف از زندگی است که نمی‌توان قانون و قاعده‌ای برای جلوگیری از پدید آمدن و رواج آن‌ها به کار برد (Emami, 2011: 43). زیرا در جامعه مدرن که تنوع و تکثر کالا و آزادی فردی در مصرف از ویژگی‌های آن است (Majdi, 2010: 34)، سبک زندگی، دیگر الگوی تحمیلی و انتسابی نیست که فرد آن را پذیرفته و در چارچوب آن رفتار کند، بلکه با استفاده از کنشگری خویش در پی برگزیدن سبک‌های جدید زندگی به منظور ایجاد تمایز بین خود و دیگران و ساختن حیات و هویتی جدید می‌باشد (Bayangani et al, 2013: 68). در این راستا، تمام رفتارها و فعالیت‌ها در جریان زندگی روزمره (که هم نیازهای جاری او را برآورده می‌کند و هم روایت خاصی را که وی برای هویت فردی خود برگزیده است و در برابر دیگران مجسم می‌سازد)، در قالب سبک زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد (Giddens, 2003: 143). البته شایان ذکر است که امروزه اصطلاح سبک زندگی کاربرد عامیانه فراوان و گسترده‌ای یافته است و اغلب برای توصیف نوع خانه و اسباب و اثاثیه نیز به کار می‌رود؛ اما مفهوم سبک زندگی کلیت بیشتری دارد و دامنه‌ی وسیعی از امور عینی و ذهنی را شامل می‌گردد (Evans & Jackson, 2007: 57). با این تعاریف مشخص می‌شود که سبک زندگی با بسیاری از مؤلفه‌های رفتاری و فکری انسان مربوط است و حتی انتخاب‌های افراد را در نوع پوشش، سرگرمی، رسانه مورد استفاده، وسایل زندگی و ... مشخص می‌سازد (Akhundi, 2012: 18).

از سوی دیگر، نسل نیز از مفاهیمی است که نظریه‌پردازان در مورد آن اتفاق نظر ندارند (Saboori Khosroshahi & Tavakolnia, 2012: 111)، اما در معنای عام یا از نقطه‌نظر زیستی و شجره‌شناختی به معنای «یک رسته‌ی هم‌دوره که در یک‌زمان از یک دنیای مشترک بهره می‌گیرند» اطلاق می‌شود (Jajarmi, 1998: 36) و شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که مابین دو نسل هم‌زمان در یک جامعه با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری پدید آید. مثلاً فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اما اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی داشته باشند (Azad Ermaki, 2001: 80). همچنین اگر فرآیند جامعه‌پذیر کردن بنا به علل داخلی یا خارجی دچار مشکل شود و یا به طور ناقص انجام پذیرد که فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعدی منتقل نشود، تداوم فرهنگی و ارزشی دچار مشکل می‌شود، میان نسل قدیم و جدید فاصله می‌افتد و گسست نسلی ایجاد می‌شود (Klamki, 2008: 174) و منجر به دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی می‌شود (Azad Ermaki & Ghaffari, 2004: 123). البته باید توجه داشت که گسست نسلی امری طبیعی است که در طول تاریخ همواره وجود داشته است (Shadfar & Jamali Zavareh, 2013: 540) که در آن، عدم انطباق کامل جوانب

رفتاری، اخلاقی، روانی و اجتماعی نسل جدید در مقابل نسل قبلی رخ می‌دهد (Saroukhani & Sadaghatifard, 2009: 13).

اینگلههارت^۱ ارزش‌ها را در دو بعد کلی، تحت عنوان ارزش‌های بقا در برابر خود اظهاری و ارزش‌های سستی در مقابل ارزش‌های سکولار عقلانی طبقه‌بندی می‌کند و تفاوت ارزش‌های مربوط به هر نسل را مورد توجه قرار داده است (Chang, 2010: 150- 153). این ارزش‌ها نه تنها بر آرزوها و باورهای افراد نفوذ می‌کند، بلکه خط‌مشی‌ها، هنجارها و اعمال جوامع را شکل می‌دهد (Vauclair, 2011: 187). در این راستا، طبق دیدگاه کارل مانهایم^۲، برای بازشناسی نسل‌ها باید افرادی را که در یک دوره اجتماعی- فرهنگی یکسان بوده‌اند، خودآگاهی و تجربیات مشترکی در این فضای تاریخی و فرهنگی کسب کرده‌اند را به‌عنوان یک نسل در نظر گرفت. لذا بنا بر برخی تحقیقات داخلی، انقلاب اسلامی به‌عنوان مبنای تفکیک نسل‌ها در ایران مدنظر گرفته شده است. وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات ارزشی جامعه بعد از آن، سبب آشنایی بیشتر افراد خصوصاً جوانان با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع دیگر گردید (Poriani & Islami tarazjani, 2013: 73) و به‌عنوان سرآغاز حرکتی نسبتاً گسترده از سبک زندگی سستی پیشین به سمت سبک زندگی نوین شد (Arjmand Siahpush & Heidari Zargush, 2012: 91). در این حالت تضاد ارزشی ایجاد شده بین دو نسل، قدرت تصمیم‌گیری و شناخت واقعیت را هر لحظه بیشتر دچار تعارضات ارزشی، افسردگی و اضطراب می‌سازد، به‌طوری که وجدان جمعی پیشین رنگ می‌بازد (Emami, 2011: 43).

با مرور بر متون علمی و تحقیقات تجربی انجام گرفته در این حوزه، می‌توان دریافت که مطالعات پیشین عمدتاً در قالب مونوگرافی انجام شده و به توصیف عناصر و پدیده‌های گوناگون ابعاد زندگی عشایری پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها، مطالعات پیشدادفر (۱۳۸۷) می‌باشد که مسائلی از جمله تقسیم‌کار اجتماعی، مهاجرت، اعیاد، سوگواری‌ها، اوقات فراغت، جشن عروسی و اشعار مورد استفاده آن‌ها را مورد وصف قرار داده است. با این وجود، تحقیقات دیگری نیز در ارتباط با پژوهش حاضر انجام گردیده است که در ادامه بحث، به موارد مختلفی از آن‌ها اشاره می‌گردند.

ازکیا و حسینی (۱۳۸۷) به بررسی تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی سه نسل از ساکنان روستای آهنگر محله پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که نسل سوم، سبک زندگی متفاوتی را نسبت به نسل اول و دوم انتخاب کرده است. به‌گونه‌ای که گویه پوشاک و آرایش، الگوهای گذران اوقات فراغت، شیوه گفتار، الگوی تغذیه و شیوه بهداشت در میان نسل سوم متفاوت از دو نسل دیگر است و مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. صفا (۱۳۸۸) نیز در مطالعه‌ای میان سبک زندگی نسل‌های مختلف روستای خلیل‌آباد به این نتیجه رسیده است که نسل‌های مختلف به دلیل تفاوت زمینه و جایگاه اجتماعی خاصشان در جامعه، ساختمان‌های ذهنی متفاوتی دارند که بر نوع ذائقه و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد و در جلوه‌های گوناگون سبک زندگی آن‌ها نمایان می‌گردد. همچنین ارجمندسیاه‌پوش و حیدری زرگوش (۱۳۹۱) بر اساس تحقیق خویش دریافته‌اند که بین متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن و میزان استفاده از کالاهای فرهنگی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و میانگین سبک

زندگی برحسب طبقه‌های اجتماعی و جنسیت متفاوت می‌باشد. در این راستا، بیشترین تأثیر را متغیرهای میزان تحصیلات و شیوه‌ی مصرف کالاهای فرهنگی نشان می‌دهند. صلاحی اصفهانی و خجسته‌نسب (۱۳۹۳) در تحقیقی پیرامون تغییرات نسلی سبک زندگی در قشلاق قره‌باغ شهرستان ساوه دریافتند که مؤلفه‌های سبک زندگی، بین نسل‌های مختلف در جامعه‌ی مورد مطالعه تفاوت معناداری دارند که این امر به شکاف و گسست نسلی منجر گردیده است. فرهادیان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود از جامعه عشایری بابادی بیان داشتند که نسل یک، از جامعه مورد مطالعه برای خوردن غذا از قاشق استفاده نمی‌کنند و تنها برای ماست و خورشت از قاشق استفاده می‌شود. فدرستون^۱ (۱۹۹۱) در کتاب خود پیرامون سبک زندگی به تبیین جایگاه سبک زندگی در زندگی روزمره می‌پردازد و بر ایماژها و نشانه‌هایی تأکید می‌ورزد که با شیوع سریع خود و با هدف زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره، اجزای متشکله جامعه امروزی را در خود غرق می‌کنند. از دیگر پیشینه‌های نافذ در این زمینه، کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته اینگلهارت (۲۰۰۴) می‌باشد که به دگرگونی ارزش‌ها و عوامل مؤثر بر آن پرداخته و به نگرش‌ها و ارزش‌های جوامع متفاوت اشاره نموده است. در این کتاب، ماهیت دگرگونی‌ها، پیامدهای آن، تحلیل گروه‌های سنی و وجود تفاوت‌های محسوس در اولویت‌های اجتماعی نسل‌های جوان‌تر و بزرگ‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین شارما^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود در هند، تفاوت‌های بین نسلی در زمینه‌ی ازدواج را در دو نسل دختران و مادران مورد بررسی قرار داده‌اند.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش

Source: Research Findings

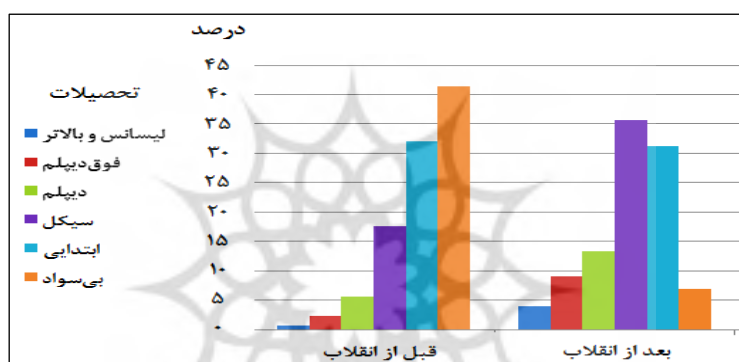
به هر حال، با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، مدل مفهومی خاصی را برای انجام تحقیق حاضر می‌توان ارائه نمود. بر همین اساس، برای بررسی تغییرات نسلی سبک زندگی جامعه عشایری طایفه بایاری، توجه به تغییرات در سطح تکنولوژی در دسترس، نگرش زنان، نوع پوشش، سطح مصرف‌گرایی، میزان گسترش رسانه‌های جمعی، سطح آگاهی و ارتباطات از جمله مؤلفه‌هایی بوده است که در قالب یک مدل مفهومی مورد توجه قرار گرفته است (شکل ۲).

¹. Featherstone

². Sharma

یافته‌های پژوهش

در ایران زندگی به شکل عشایری دارای سابقه‌ای طولانی می‌باشد، اما سبک زندگی عشایری در ایران، در مرحله گذار از حالت سنتی به سمت شیوه‌ی زندگی جدید قرار دارد که این تغییرات را می‌توان در سبک زندگی عشایر طایفه بایاری نیز مشاهده نمود. بر اساس پرسشنامه‌های تکمیلی، بررسی چگونگی توزیع پاسخگویان پرسشنامه‌ها از نظر سطح تحصیلات در نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی بیانگر آن است که در شرایط قبل از انقلاب، افراد عموماً یا بی‌سواد بوده‌اند یا تحصیلات آن‌ها به سطوح ابتدایی (خواندن و نوشتن) محدود می‌گردید (نمودار ۱). عدم وجود امکانات و شرایط لازم برای ادامه تحصیل عشایر، از مهم‌ترین دلایل کم‌سوادی یا بی‌سوادی آن‌ها بوده است، اما پس از انقلاب اسلامی، توجهی ویژه به سوادآموزی اقشار محروم جامعه از جمله عشایر صورت گرفته است و طی سال‌های اخیر شرایط و انگیزه برای سوادآموزی و ادامه تحصیل در میان نسل جدید عشایر بیش از پیش مهیا شده است.



نمودار ۱- وضعیت تحصیلات در دو نسل قبل از انقلاب و نسل فعلی در جامعه عشایری مورد مطالعه

Source: Research Findings

نتایج آزمون آماری تحقیق در بررسی تفاوت پوشاک بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل حاضر مؤید آن است که مقدار Sig. کوچک‌تر از ۰/۰۱ است (جدول ۱). در نتیجه تفاوت معناداری با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو نسل وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ای هر شاخص، می‌توان گفت که وضعیت پوشاک در دو نسل قبل از انقلاب و نسل حاضر یکسان نیست. نکته قابل توجه دیگر اینکه، نسل کنونی - به نسبت نسل قبل - هزینه‌ی بیشتری را صرف تهیه لباس می‌کند، از لباس‌های متنوع در رنگ‌ها و مدل‌های مختلف، از لوازم زینتی و آرایشی بیشتر استفاده می‌کنند و پیرو مد است. همچنین تمایل به پوشیدن لباس‌های سنتی و محلی در نسل جدید روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

جدول ۱- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی پوشاک بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلاکسون	آماره Z	Sig.
صرف هزینه برای پوشاک	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۴/۸۵	۹۶۵۵/۵	۱۲۷۰/۵	۹۶۵۵/۵	-۱۲/۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۱۵	۲۳۷۵۵/۵				
استفاده از لباس‌های متنوع (در رنگ و مدل)	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۴/۰۶	۹۵۵۴	۱۱۶۹	۹۵۵۴	-۱۲/۳۲	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۹۴	۲۳۸۵۷				
تمایل به پوشیدن لباس سنتی و محلی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۱/۷۶	۲۳۴۴۷/۵	۱۵۷۸/۵	۹۹۶۳/۵	-۱۱/۵۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۷/۲۴	۹۹۶۳/۵				
استفاده از لوازم زینتی و آرایشی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۶/۷۳	۹۸۹۸	۱۵۱۳	۹۸۹۸	-۱۱/۷۵	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۲/۳۷	۲۳۵۱۳				
پیروی از مد	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۹/۵۱	۱۰۲۵۷	۱۸۷۲	۱۰۲۵۷	-۱۱/۱۵	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۷۹/۴۹	۲۳۱۵۴				

Source: Research Findings

بر اساس یافته‌های تحقیق، در فاصله این دو مقطع زمانی، تغییراتی اساسی در عرصه پوشاک به‌عنوان نمود عینی تغییرات اجتماعی و فرهنگی در بین عشایر طایفه بایاری رخ داده است که طی آن شیوه‌ها و الگوهای پوشاک نسل کنونی با نسل قبل از انقلاب متمایز گردیده است. در اثر تغییرات رخ داده، علی‌رغم محبوبیت خاص لباس‌های سنتی در میان نسل قدیم، به تدریج لباس‌های سنتی و قدیمی کنار گذاشته شده و لباس‌های شهری جایگزین آن‌ها گردیده‌اند. حتی امروزه الگوی پوشاک نیز ماهیتی التقاطی یافته و به‌طور همزمان عناصری از الگوهای سنتی و جدید شهری در آن‌ها دیده می‌شود، اما اصلی‌ترین قاعده‌ی حاکم بر الگوی پوشاک نسل جدید، پیروی از مد می‌باشد. در ارتباط با تفاوت نسلی در زمینه پوشاک، با ورود لباس‌های مد روز که اغلب به سبب گسترش تبلیغات و ارتباطات جوامع عشایری با جوامع روستایی و شهری است، فرزندان ایل که ساده‌پوش هستند به سمت مد علاقه نشان داده و سبک اولیا خود را کمتر می‌پسندند. به نحوی که شاهد استفاده از مدل‌های جدید مانند انواع لباس‌های جین، کتان، اسپرت و انواع لباس‌های زنانه همچون مانتو، تی شرت و پیراهن‌های کوتاه و تنگ، کراوات و کت و شلوار در جشن‌ها هستیم. در این راستا، در سال‌های اخیر پوشاک محلی مردان جای خود را به لباس‌های بازاری داده است که علت آن عدم کارایی لباس‌های محلی برای زندگی امروزی می‌باشد. لباس‌های شهری ارزان‌تر از لباس‌های محلی هستند و به‌راحتی در دسترس قرار دارند. اما این تغییرات به معنای کنار گذاشتن کامل لباس‌های سنتی نیست و همچنان از لباس‌های سنتی استفاده می‌شود، به‌ویژه در میان زنان به کارگیری از عناصری از لباس‌های سنتی هنوز رواج دارد.

همچنین در میان نسل قدیم، عمل خرید به‌صورت گسترده جایگاهی نداشته است. زیرا افراد نسل قبل از انقلاب جامعه عشایری مورد مطالعه، عمده مواد مورد نیاز خویش را خود تولید می‌نمود. به‌عنوان مثال، نان را در خانه می‌پختند، گوشت و لبنیات مورد نیاز خویش را خود تأمین می‌کردند و بیشتر از غذاهای سنتی و مواد غذایی طبیعی استفاده می‌نمودند. مواد اولیه آن‌ها یا گوشت بوده (که توسط خود آن‌ها ذبح می‌گردید) و یا پرندگان کوهی، انواع سبزی‌ها و گیاهانی که توسط خود آن‌ها کشت می‌شد و یا همچون قارچ، کنگر و میوه‌هایی مثل بلوط، بنه، زالزالک که در دل طبیعت وجود داشت و توسط آنها جمع‌آوری می‌گردید. ولی امروزه استفاده از آن‌ها بسیار کم‌رنگ شده و خوراک‌های صنعتی و کارخانه‌ای موجود در بازار جای آن‌ها را گرفته است.

نتیجه آزمون آماری در بررسی تفاوت شاخص‌های وضعیت تغذیه بین دو گروه نمونه قبل از انقلاب و نسل کنونی نشان می‌دهد که مقدار Sig. کوچک‌تر از ۰/۰۱ است (جدول ۲). در نتیجه با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد.

جدول ۲- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی تغذیه بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلکاکسون	آماره Z	Sig.
استفاده از غذاهای آماده و جدید	قبل از انقلاب	۱۲۹	۸۲/۹۵	۱۰۷۰۰	۳۳۱۵	۱۰۷۰۰	-۱۰/۳۸۳	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۷۶/۰۵	۲۲۷۱۱				
خرید از شهرها و روستاهای اطراف	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۶/۰۲	۹۸۰۶/۵	۱۴۲۱	۹۸۰۶	-۱۱/۸۷۲	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۲/۹۸	۲۳۶۰۴/۵				
استفاده از تنقلات	قبل از انقلاب	۱۲۹	۸۷/۹۴	۱۱۳۴۴	۲۹۵۹	۱۱۳۴۴	-۹/۲۸۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۷۱/۰۶	۲۲۰۶۷				
استفاده از مواد غذایی محلی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۰/۹۱	۲۳۳۳۷	۱۶۸۹	۱۰۰۷۴	-۱۱/۴۳۳	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۸/۰۹	۱۰۰۷۴				

Source: Research Findings

در این راستا، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وعده‌های غذایی نسل قبل از انقلاب جامعه عشایری بایاری اکثراً پنج‌گانه بوده است، یعنی علاوه بر سه وعده اصلی، دو وعده‌ی دیگر (یکی بین صبحانه و نهار و دیگری بین نهار و شام) صرف می‌کرده‌اند. امروزه، همچنان گوشت و انواع سبزی‌ها و گیاهان، مواد اصلی غذایی را تشکیل می‌دهند. تولید لبنیات همچنان به صورت خانگی انجام می‌گیرد، اما تنوع در پخت‌وپز بیشتر شده، نان هم در منزل پخته می‌شود و هم از نانوايي خریداری می‌گردد. خرید عمدتاً عملی مردانه است و علاوه بر بازار محلی برای تأمین مایحتاج خود به شهر نیز می‌روند. در میان نسل فعلی، مصرف غذای آماده به تدریج رواج یافته و تمایل به آن در حال زیاد شدن است. استفاده از غذاهای محلی مانند انواع آش‌ها و غذاهای گیاهی به عنوان غذای اصلی کمتر به چشم می‌خورد و از آن‌ها بیشتر به عنوان دسر استفاده می‌شود. همچنین استفاده از قاشق و چنگال و انواع ظروف چینی، استیل، ملامین و ... نیز برخلاف گذشته، رواج یافته است. در مجموع، می‌توان گفت که با حرکت از نسل قدیم به نسل امروزی، رژیم غذایی متحول شده و مواد غذایی تنوع یافته است. شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین عامل در ایجاد این تغییرات، دگرگونی‌های اقتصادی و معیشتی بوده است. به عنوان مثال، در نسل قبلی گوشت مصرفی به صورت خانگی تولید می‌شد، اما امروزه گوشت مصرفی مربوط به تولیدات واحدهای مرغداری و گاوداری و مجتمع‌های صنعتی می‌باشد.

عامل دیگر تحولات رخ داده را می‌توان افزایش نسبی رفاه و استانداردهای زندگی دانست. برق‌کشی و آبرسانی به روستاها موجب رواج استفاده از انواع وسایل پخت‌وپز و شکل‌گیری آشپزخانه به سبک جدید شده است که خود به تغییراتی در شیوه طبخ و مصرف غذا منجر گردیده است. در زمینه خوراک نیز ذائقه نسل امروزی متفاوت از نسل قبل است. نسل امروزی بیشتر به مصرف غذاهای آماده تمایل داشته و از غذاهای سنتی به صورت تفننی و یا به عنوان مکمل غذاهای دیگر استفاده می‌کنند.

تفاوت نسلی در عادات تغذیه‌ای بیانگر آن است که عادت تغذیه‌ی عشایر به سمت استفاده از الگوهای تغذیه شهری پیش می‌رود. یکی از جلوه‌های مشهود این امر استفاده از وسایلی همچون قاشق و چنگال به جای استفاده از دست در غذا خوردن است (جدول ۳). در حالی که در گذشته تمام اعضای خانواده غذا را بیشتر با دست می‌خوردند و استفاده از قاشق جز در مواردی مانند برداشتن خورش یا ماست رایج نبود.

جدول ۳- وضعیت استفاده از قاشق و چنگال در دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری طایفه بایاری

نسل	نوع مواد	فراوانی	درصد فراوانی	نسل	نوع مواد	فراوانی	درصد فراوانی
قبل از انقلاب	با دست	۱۰۵	۸۱/۴	بعد از انقلاب	با دست	۴۲	۳۲/۶
	با قاشق و چنگال	۲۴	۱۸/۶		با قاشق و چنگال	۸۷	۶۷/۴

Source: Research Findings

با توجه به نتایج تحقیق، در نسل قبل از انقلاب، دسترسی به خانه بهداشت وجود نداشت و افراد بیشتر به صورت سنتی از گیاهان دارویی و امکانات در دسترس خود برای درمان امراض بهره می‌گرفتند. ولی امروزه افراد، به خصوص خانم‌ها، بیشتر به روستاها و شهرهای مجاور برای ویزیت دکتر متخصص رجوع می‌کنند. همچنین هر چه از نسل قدیم به نسل حاضر نزدیک‌تر می‌شویم رعایت الگوهای فردی و عمومی بهداشتی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در گذشته افراد عشایر بیشتر از ریشه گیاهان برای شست‌وشو و از آب چاه، چشمه و رودخانه‌هایی که در

مسیر و دسترس آن‌ها بود برای استحمام و آشامیدن استفاده می‌کردند. ولی امروزه با افزایش سطح آگاهی و ارتقاء سطح بهداشت، کمتر کسی در عشایر این مسائل را نادیده می‌گیرد. در این راستا، بر طبق نتایج آزمون آماری، بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل فعلی، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت معناداری در تمام شاخص‌های بهداشتی وجود دارد (جدول ۴) که با ملاحظه سطح معناداری و میانگین رتبه‌ای شاخص‌ها می‌توان وضعیت دو نسل را با یکدیگر مقایسه نمود.

جدول ۴- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی بهداشت بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلکاکسون	آماره Z	Sig
رعایت بهداشت فردی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۱/۱۸	۹۱۸۲	۷۹۷	۹۱۸۲	-۱۳/۰۴۶	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۷/۸۲	۲۴۲۲۹				
استفاده از وسایل بهداشتی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۷/۳۶	۸۶۹۰	۳۰۵	۸۶۹۰	-۱۳/۸۹۸	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۱/۶۴	۲۴۷۲۱				
مراجعه به خانه بهداشت	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۶/۴۶	۹۶۰۵	۱۲۲۰	۹۶۰۵	-۱۲/۳۶۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۵۴	۲۳۸۰۶				
استفاده از وسایل شخصی در اصلاح سروصورت	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۶/۴۰	۸۵۶۵	۱۸۰	۸۵۶۵	-۱۴/۱۷۷	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۲/۶۰	۲۴۸۴۶				

Source: Research Findings

با توجه به اهمیت مقوله سلامتی افراد و ارتقاء سلامت و بهداشت عشایر، کنترل راه‌های انتقال بیماری‌های مشترک انسان و حیوان امری قابل توجه است که می‌توان با ارائه تعلیمات لازم در زمینه برخی مسائل بهداشتی، جهت جلوگیری از شیوع آن‌ها اقدام نمود. بحث شست‌وشو و حمام با توجه به شرایط زیستی عشایر که دائم با دام سروکار دارند و در تحرک هستند می‌تواند بسیار حساس تلقی گردد، چرا که حتی پیش از انقلاب، مکانی به‌عنوان حمام وجود نداشته و افراد در چشمه‌ها، رودها یا در کنجی از خانه استحمام می‌کردند و در زمان حاضر هم تنها قشر اندکی از عشایر هستند که مکانی را به‌عنوان حمام اختصاص داده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵- بررسی وضعیت استحمام بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری طایفه بایاری

نمونه	گروه	فراوانی	درصد فراوانی	مد	نمونه	گروه	فراوانی	درصد فراوانی	مد
قبل از انقلاب	زیر ۵ روز	۲۱	۱۶/۳	۷ تا ۱۰ روز	زیر ۵ روز	۲۴	۳۴/۱		
	بین ۵ تا ۷ روز	۳۵	۲۷/۱		بین ۵ تا ۷ روز	۳۹	۳۰/۲		
	بین ۷ تا ۱۰ روز	۴۵	۳۴/۹		بین ۱۰ تا ۱۰ روز	۳۲	۲۴/۸		
	بالای ۱۰ روز	۲۸	۲۱/۷		بالای ۱۰ روز	۱۴	۱۰/۹		
مجموع	-	۱۲۹	۱۰۰	مجموع	-	۱۲۹	۱۰۰		

Source: Research Findings

لهجه یکی از عناصر فرهنگی هر قومی است که شدیداً برای حفظ و خالص ماندن آن تلاش می‌شود. ولی درگذر زمان دستخوش تغییراتی همچون ورود واژگان دیگر در آن یا مهجور ماندن برخی از واژه‌ها و اصطلاحات محلی می‌گردد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون آماری مان‌ویتنی در بررسی تفاوت لهجه بین دو گروه نمونه قبل از انقلاب و نسل کنونی، مقدار Sig. بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (جدول ۶). در نتیجه تفاوت معناداری در شاخص‌های «تمایل در به کارگیری از لهجه محلی» و «میزان به کارگیری گویش محلی» در دو نسل مورد مطالعه وجود ندارد. اما با توجه به تفاوت ناچیز میانگین رتبه‌ای می‌توان دریافت که تمایل نسل پیش از انقلاب در به کارگیری لهجه بیشتر بوده است. در واقع، در نسل فعلی به دلیل رونق سواد و تسلط رسانه‌ها، میزان به کارگیری از زبان فارسی، با وجود تغییرات ناچیز، رو به فزونی بوده است.

جدول ۶- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی وضعیت شاخص‌های مؤلفه‌ی لهجه بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	بومان‌ویتنی	ویلکاکسون	آماره Z	Sig
تمایل در به کارگیری از لهجه محلی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۳۴/۶۵	۱۷۳۶۹/۵	۷۶۵۶/۵	۱۶۰۴۱/۵	-۱/۱۳۲	۰/۲۵۸
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۲۴/۳۵	۱۶۰۴۱/۵				
میزان به‌کارگیری گویش محلی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۴۱/۸۶	۱۸۳۰۰	۶۲۲۶	۱۵۱۱۱	-۲/۷۵۱	۰/۰۶
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۱۷/۱۴	۱۵۱۱۱				

Source: Research Findings

از سوی دیگر، توجه به تغییرات فراغت از ویژگی‌های دیگر مورد توجه بوده است. در گذشته میان کار و فراغت تمایز روشنی دیده نمی‌شد. مردان در اوقاتی که از امور دامپروری یا کشاورزی فارغ بودند به دام‌گذاری و شکار (بز کوهی و کبک)، ماهیگیری، حجاری و تعمیر وسایل محل زندگی خود، شب‌نشینی پای صحبت ریش‌سفیدان، گوش دادن به رادیو می‌پرداختند. برخی از این فعالیت‌ها به جز جنبه فراغتی، کارکردهای دیگری هم داشته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها تأمین بخشی از مایحتاج خانوار (مثلاً تأمین گوشت) بوده است. اما امروزه مردان، اوقات فراغت خود را با گردهمایی‌ها و گپ زدن‌های روزانه با خویشان و همسایگان، گوش دادن به موسیقی و تماشای تلویزیون، شرکت در جشن‌ها و مراسمات پر می‌کنند. زنان نسل قدیم نیز عمدتاً با پختن غذا، آماده‌سازی تشریفات مراسمات و گپ زدن‌های روزانه با همسایگان، اوقات فراغت خود را می‌گذراندند. همچنین بخشی دیگر از فعالیت‌های آن‌ها به تولید صنایع دستی اختصاص داشت که این صنایع دستی هرچند در زمان فراغت انجام می‌گشت، اما با فروش آن، بخشی از مایحتاج خانواده تأمین می‌شد. در نسل قبل از انقلاب، فعالیت‌های اوقات فراغت در زمان کودکی و نوجوانی با هدف تحرک بدنی و تقویت قوای جسمانی و شجاعت صورت می‌گرفت. اما در میان نسل حاضر، اصلی‌ترین مشخصه‌ی اوقات فراغت استفاده‌ی گسترده از تکنولوژی‌های جدید و رسانه‌ای می‌باشد که در آن‌ها، جنبه‌های آموزشی و تفریحی بیشتر مدنظر می‌باشد. در واقع، تماشای تلویزیون، استفاده از موبایل، گوش دادن به موسیقی، گشت‌وگذار و مسافرت به روستاها و شهرهای اطراف با وسایل نقلیه بخش عمده‌ای از اوقات فراغت نسل امروزی را پر می‌کند که این امر در خصوص هر دو جنس مصداق دارد. بر این اساس، تفاوت نسلی در شیوه‌ی گذران اوقات فراغت از الگوی جمع‌گرایانه به سمت الگوهای فردگرایانه تغییر کرده است.

در این راستا، طبق نتایج آزمون آماری برای بررسی شاخص‌های وضعیت اوقات فراغت بین دو گروه نمونه قبل از انقلاب و نسل کنونی، مقدار Sig. در شاخص‌های مؤلفه اوقات فراغت کوچک‌تر از ۰/۰۱ است (جدول ۷).

جدول ۷- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی اوقات فراغت بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	بومان‌ویتنی	ویلکاکسون	آماره Z	Sig
گفتگو و معاشرت با دیگران	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۷۰/۲۶	۲۱۹۶۳	۳۰۶۳	۱۱۴۴۸	-۹/۲۴۰	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۸۸/۷۴	۱۱۴۴۸				
خواندن کتاب، روزنامه و غیره	قبل از انقلاب	۱۲۹	۸۱/۹۶	۱۰۵۷۲/۵	۲۱۸۷/۵	۱۰۵۷۲/۵	-۱۰/۸۳۲	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۷۷/۰۴	۲۲۸۳۸/۵				
رفت‌وآمد به شهر	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۸/۷۹	۸۸۷۴	۴۸۹	۸۸۷۴	-۱۳/۴۴۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۰/۲۱	۲۴۵۳۷				
میزان گشت‌وگذار	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۴۶/۹۵	۱۸۹۵۶	۶۰۷۰	۱۴۴۵۵	-۴/۳۵۰	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۱۲/۰۵	۱۴۴۵۵				
استفاده از موبایل	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۶/۲۶	۸۵۴۷	۱۶۲	۸۵۴۷	-۱۴/۴۶۴	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۲/۷۴	۲۴۸۶۴				
استفاده از وسایل ارتباطات جمعی (رادیو، تلویزیون و...)	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۵/۷۶	۹۷۷۳	۱۳۸۸	۹۷۷۳	-۱۲/۰۹۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۳/۲۴	۲۳۶۳۸				

Source: Research Findings

در نتیجه با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در دو نسل وجود دارد.

همچنین نتایج پژوهش مؤید آن است که عشایر طایفه بایاری سبک زندگی‌شان به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی می‌باشد. در حقیقت، در حال حاضر وسایلی در این جامعه جای گرفته‌اند که گاه بیش از ضرورت کارکردی، ضرورت تزئینی دارد و کم‌کم رو به سوی استفاده از مظاهر شهری شدن دارد. البته به نوعی نشان‌دهنده‌ی پویایی جامعه عشایری است که می‌توان از این پتانسیل در جهت برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای استفاده کرد.

در قدیم عشایر وسایل سرمایشی مناسب نداشتند و عموماً با شروع گرما به ییلاق می‌رفتند و در موقع سرما نیز از هیزم و در موارد محدودی از نفت استفاده می‌کردند. همچنین بیشتر از وسایل تزئینی سنتی و محلی همچون قالی، گلیم، جاجیم، خورجین، نمدها، سیاه‌چادر، بهون^۲، لنتف^۳ و تره^۴ استفاده می‌کردند. در صورتی که امروزه با پیشرفت‌های تکنولوژی و ارتقاء آگاهی افراد، استفاده از وسایل رفاهی و تزئینی نوین در جهت آرایش فضا و بهبود وضعیت زندگی بیشتر به کار گرفته می‌شود. این موارد به آرامی منجر به از بین رفتن کوچ و زندگی عشایری خواهد شد.

نتیجه آزمون آماری در بررسی تفاوت شاخص‌های وضعیت آرایش فضای زندگی بین دو گروه نمونه قبل از انقلاب و نسل کنونی نشان می‌دهد که مقدار Sig کوچک‌تر از ۰/۰۱ است (جدول ۸). در نتیجه با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد و استفاده از کالاها و وسایل رفاهی و شهری در نسل کنونی بیشتر است. اما نسل گذشته همچنان بیشترین تمایل را در استفاده از وسایل زینتی محلی دارند.

جدول ۸- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی آرایش فضای زندگی بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

Sig	Z	ویلکاکسون	یومان‌ویتنی	میانگین		تعداد	نسل	شاخص‌ها
				رتبه‌ها	رتبه‌ای			
۰/۰۰۰	-۱۰/۴۰۶	۱۰۷۰۸/۵	۲۳۲۳/۵	۲۲۷۰۲/۵	۱۷۵/۹۹	۱۲۹	قبل از انقلاب	استفاده از وسایل زینتی محلی
				۱۰۷۰۸/۵	۸۳/۰۱	۱۲۹	بعد از انقلاب	
۰/۰۰۰	-۱۳/۰۰۱	۹۱۴۱	۷۵۶	۹۱۴۱	۷۰/۸۶	۱۲۹	قبل از انقلاب	میزان استفاده از وسایل سرمایشی و گرمایشی
				۴۴۲۷۰	۱۸۸/۱۴	۱۲۹	بعد از انقلاب	
۰/۰۰۰	-۱۳/۸۰۷	۸۷۱۲/۵	۳۲۷/۵	۸۷۱۲/۵	۶۷/۴۵	۱۲۹	قبل از انقلاب	استفاده از وسایل تزئینی شهری
				۲۴۶۹۸/۵	۱۹۱/۴۶	۱۲۹	بعد از انقلاب	

Source: Research Findings

در گذشته، دلایلی چون عدم وجود راه‌های ارتباطی و پراکندگی جامعه روستایی و عشایری، فقدان وسایل ارتباط جمعی و بی‌سوادی یا کم‌سوادی اکثریت عمده عشایر، از مهم‌ترین عواملی بود که موجب کندی روند تغییرات در جامعه عشایری و آگاهی از جوامع دیگر می‌شد. اما پس از انقلاب، بهبود زیرساخت‌های ارتباطی، نفوذ رسانه‌ها، ارتقاء آگاهی افراد از جاذبه‌های شهری، ارزش‌ها و باورهای سایر افراد موجب گردید که از تعلق عشایر کاسته شود و به سمت زندگی‌ای غیر از شیوه‌ی پدران خود گرویده شوند. این امر هم در زمینه‌ی میزان انگیزه ماندگاری در

^۱ نوعی زیرانداز که از پشم گوسفند، در ابعاد مختلف درست می‌شود.

^۲ نوعی سیاه‌چادر که از موی بز درست می‌گردد، ولی ابعاد آن از سیاه‌چادر کوچک‌تر است.

^۳ نوعی سیاه‌چادر که از موی بز درست می‌گردد و بیشتر در اطراف و دور کپر می‌زنند.

^۴ نوعی کوله‌پشتی برای نگهداری وسایل مورد نیاز که در هنگام چرای دام از آن استفاده می‌شود.

مکان و هم در زمینه‌ی پایبندی به آداب و رسومات قابل مشاهده است. در این راستا، با توجه به نتیجه آزمون آماری، در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد (جدول ۹) که با ملاحظه سطح معناداری و میانگین رتبه‌ای شاخص‌ها می‌توان دریافت که تعصب مکانی نسبت به زندگی عشایری، پایبندی به آداب و رسوم زندگی عشایری و انگیزه‌ی ماندگاری به شیوه زندگی عشایری در نسل قبل از انقلاب بسیار بیشتر از نسل کنونی بوده است.

جدول ۹- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی وضعیت شاخص‌های مؤلفه‌ی تعلق بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلاکسون	آماره Z	Sig
تعصب مکانی نسبت به زندگی عشایری	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۳/۴۹	۲۳۶۷۰	۱۳۵۶	۹۷۴۱	-۱۲/۰۱۶	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۵/۵۱	۹۷۴۱				
پایبندی به آداب و رسوم زندگی عشایری	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۳/۷۵	۲۳۷۰۳/۵	۱۳۲۲/۵	۹۷۰۷/۵	-۱۲/۱۳۷	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۵/۲۵	۹۷۰۷/۵				
انگیزه‌ی ماندگاری به زندگی عشایری	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۷۸/۲۱	۲۲۹۸۹/۵	۲۰۳۶/۵	۱۰۴۲۱/۵	-۱۰/۸۴۸	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۸۰/۷۹	۱۰۴۲۱/۵				

Source: Research Findings

از طرف دیگر، در شرایط قبل از انقلاب، ارزش ازدواج بیشتر تحت تأثیر دین‌داری بوده است. اما نسل‌های بعد از انقلاب در معرض جهانی شدن و رسانه‌ها بوده‌اند که این امر بر ارزش ازدواج این نسل‌ها تأثیر گذاشته و در زمینه‌ی شیوه‌ی انتخاب همسر، در نسل امروزی بیشتر بر پایه کسب شناخت کافی خود زوجین نسبت به یکدیگر می‌باشد. این امر از یک سو مبین اهمیتی است که مردم برای ازدواج و زندگی زناشویی خوب بر مبنای شناخت کافی و انتخاب همسر صحیح قائل‌اند و در عین حال، مبین تمایل جوانان به آزادی بیشتر و استقلال در تصمیم‌گیری در زمینه‌ی انتخاب همسر می‌باشد. اما همچنان نظر و شرایطی که خانواده‌ها در انتخاب همسر مطرح می‌کنند حائز اهمیت است و انتخاب و سلیقه والدین نسبت به انتخاب فرد از اولویت و اعتبار بیشتری برخوردار می‌باشد. همچنین تفاوت‌های بین نسلی محسوس‌تری در زمینه‌ی ایده‌آل‌ها و ترجیحات انتخاب همسر در درون یا بیرون از شبکه‌ی خویشاوندی وجود دارد، ازدواج‌های فامیلی و خویشاوندی در بین نسل جدید کاهش داشته و دختران به مراتب کمتر موافق با ازدواج خویشاوندی‌اند. بر اساس نتایج تحلیل آماری نیز با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان نمود که در تمام شاخص‌های مرتبط با ازدواج، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد (جدول ۱۰). همچنین سطح توقعات و هزینه‌های ازدواج در نسل فعلی رو به فزونی نهاده است که با افزایش سن ازدواج جوانان همراه می‌باشد. از طرف دیگر توجه به رسومات و نظر والدین در نوع انتخاب همسر تغییر کرده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی ازدواج بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلاکسون	آماره Z	Sig
سطح توقعات در ازدواج	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۹/۹۷	۱۰۳۱۶/۵	۱۹۳۱/۵	۱۰۳۱۶/۵	-۱۰/۹۶۳	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۷۹/۰۳	۲۳۰۹۴/۵				
هزینه‌های ازدواج	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۴/۸۶	۹۶۵۶/۵	۱۲۷۱/۵	۹۶۵۶/۵	-۱۲/۰۹۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۱۴	۲۳۷۵۴/۵				
تأثیر والدین در همسرگزینی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۶۷	۲۳۸۲۳	۱۲۰۳	۹۵۸۸	-۱۲/۳۲۲	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۴/۳۳	۹۵۸۸				
اهمیت و تأثیر سن در ازدواج	قبل از انقلاب	۱۲۹	۷۱/۲۹	۹۱۹۶	۸۱۱	۹۱۹۶	-۱۲/۹۸۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۸۷/۷۱	۲۴۲۱۵				
کمرنگی آداب و رسوم محلی در ازدواج	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۷/۸۰	۸۷۴۶/۵	۳۶۱/۵	۸۷۴۶/۵	-۱۳/۸۲۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۱/۲۰	۲۴۶۶۴/۵				

Source: Research Findings

از سوی دیگر، در شرایط قبل از انقلاب، درآمد افراد بیش‌تری از دآمداری و کشاورزی تأمین می‌شد، چون شغلی غیر از این نبود و افراد از معیشت خود راضی بودند. ولی در حال حاضر، مسیر تغییرات سبک زندگی عشایر به سمتی است که تقاضا را برای خرید کالاهای مصرفی افزایش می‌دهد. همچنین هزینه‌های زندگی بالا رفته و درآمد افراد به نسبت ثابت مانده است. بر اساس نتایج آزمون آماری تحقیق در بررسی تفاوت شاخص‌های وضعیت معیشت بین دو نمونه نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی نیز می‌توان بیان نمود که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی معیشت بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلاکسون	آماره Z	Sig
رضایت‌مندی از درآمد	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۰/۸۸	۲۳۳۳۴	۳۹۶	۸۷۸۱	-۱۳/۶۵۸	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۸/۱۲	۱۰۰۷۷				
تمایل به شغلی غیر از دامداری	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۷/۹۳	۸۷۶۳	۳۷۸	۸۷۶۳	-۱۳/۹۵۵	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۱/۰۷	۲۴۶۴۸				
میزان سختی معاش	قبل از انقلاب	۱۲۹	۶۸/۰۷	۸۷۸۱	۱۶۹۲	۱۰۰۷۷	-۱۱/۳۹۸	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۹۰/۹۳	۲۴۶۳۰				

Source: Research Findings

همچنین در نسل قدیم، عشایر از رغبت بالایی برای مشارکت برخوردار بوده‌اند و زندگی عشایری بر مبنای مشارکت و همیاری جمعی آن‌ها استوار بود که به طرق گوناگون انجام می‌گرفت. مشارکت در کارهای دامداری و تولید فرآورده‌های دامی، مشارکت در کارهای خانه همچون پختن نان، مشارکت در کارهای کشاورزی که افراد با هم زمین‌های یکدیگر را درو و برداشت می‌کردند و در موقع کوچ همه افراد با هماهنگی یکدیگر طی چند روز کوچ می‌نمودند، از مهم‌ترین نمودهای مشارکت بوده است. ولی در حال حاضر، هرکس در روزی متفاوت کوچ می‌کند و نظم و هماهنگی در کوچ وجود ندارد و باعث چرای زودرس در دو ناحیه سردسیری و گرمسیری می‌شود. در حال حاضر، هرکس در فکر درآمد بیشتر است و مشارکت و همکاری در حال کم‌رنگ شدن است. نتیجه آزمون آماری تحقیق در بررسی تفاوت شاخص‌های وضعیت مشارکت نیز نشان می‌دهد که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی شاخص‌های مؤلفه‌ی مشارکت بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلاکسون	آماره Z	Sig
مشارکت و همکاری در کارهای گروهی	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۶/۰۴	۲۳۹۹۹	۱۰۲۷	۹۴۱۲	-۱۲/۶۹۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۲/۹۶	۹۴۱۲				
مشایعت هم‌فکری عشایر در زمان کوچ	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۷/۶۶	۲۴۲۰۸	۸۱۸	۹۲۰۳	-۱۲/۹۸۲	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۱/۳۴	۹۲۰۳				
تمایل به شرکت در مراسمات مختلف	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۴/۷	۲۳۸۲۶/۵	۱۱۹۹/۵	۹۵۸۴/۵	-۱۲/۲۵۱	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۴/۳	۹۵۸۴/۵				
میزان حمایت افراد در حل مشکلات یکدیگر	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۶/۷۶	۲۴۰۹۱/۵	۹۳۴/۵	۹۳۱۹/۵	-۱۲/۶۶۳	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۷۲/۲۴	۹۳۱۹/۵				
حمایت و همکاری همسایگان	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۸۹/۳۵	۲۴۴۲۶	۶۰۰	۸۹۸۵	-۱۳/۱۹۴	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۶۹/۶۵	۸۹۸۵				

Source: Research Findings

با تفسیر و تحلیل سطح معناداری و میانگین رتبه‌ای شاخص‌ها می‌توان دریافت که امر مشارکت و همکاری نسل قبل از انقلاب در مسائل مختلفی همچون کوچ، مراسمات مختلف، حل مشکلات همدیگر بسیار بالا بوده است و اتحاد درون قبیله‌ای محکمی در میان عشایر طایفه بایاری حاکم بوده است که در نسل کنونی با فاصله‌گیری تدریجی

جوانان از این نوع زندگی و گرایش به زندگی در فضاهای بزرگ شهری، مفهوم و میزان مشارکت و همکاری به نسبت قبل کاملاً تغییر یافته است.

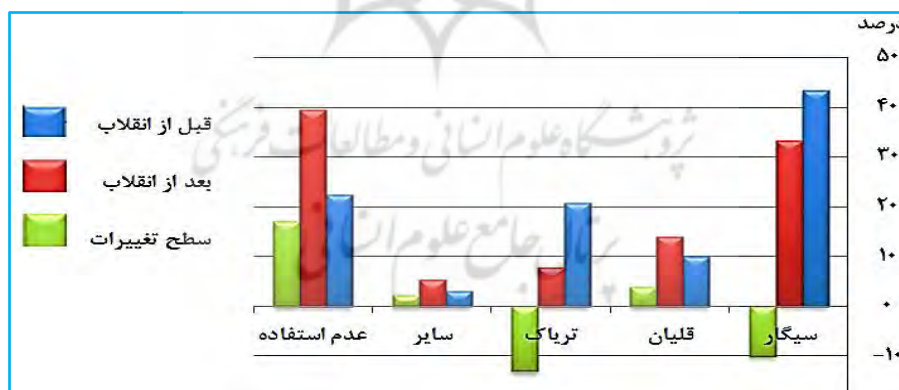
قشر عشایر از گذشته تاکنون، به عنوان بخش مهم و اثرگذار جامعه، مورد هدف برخی آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد بود است. البته پس از انقلاب، بنا بر حساسیت‌های نظام نسبت به این مسائل، تلاش‌های بیشتری در راستای پیشگیری از اعتیاد و مصرف مواد مخدر، آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی لازم به این قشر مولد و صیانت آنان در مقابل گسترش مواد مخدر و روان‌گردان‌ها انجام شده است. از جمله در حوزه فرهنگی و ایجاد بستر و آموزش‌های لازم برای خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد با همکاری ستاد پیشگیری از اعتیاد فعالیت‌هایی صورت پذیرفته است که افراد به سمت اعتیاد گرایش پیدا نکنند. نتیجه آزمون آماری در بررسی تفاوت شاخص‌های وضعیت اعتیاد بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی نشان می‌دهد که در تمام شاخص‌ها، تفاوت معناداری در بین دو نسل وجود دارد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳- نتایج آزمون مان‌ویتنی در بررسی وضعیت شاخص‌های مؤلفه‌ی اعتیاد بین دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی

شاخص‌ها	نسل	تعداد	میانگین رتبه‌ای	مجموع رتبه‌ها	یومان‌ویتنی	ویلکاکسون	آماره Z	Sig
میزان دسترسی به مواد مخدر	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۵۲/۰۱	۱۹۶۰۹	۵۴۱۷	۱۳۸۰۲	-۵/۷۳۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۱۰۶/۹۹	۱۳۸۰۲				
تمایل به استفاده از مواد مخدر	قبل از انقلاب	۱۲۹	۱۶۵/۰۶	۲۱۲۹۲/۵	۳۷۳۳/۵	۱۲۱۱۸/۵	-۸/۰۸۹	۰/۰۰۰
	بعد از انقلاب	۱۲۹	۹۳/۹۴	۱۲۱۱۸/۵				

Source: Research Findings

با توجه به نتایج پژوهش، در نسل قبل از انقلاب، سیگار بیشتر از سایر مواد مورد استعمال قرار می‌گرفت. اما در نسل فعلی جامعه عشایری مورد مطالعه، از مصرف سیگار کاسته شده و به سایر مواد مخدر (مثل مواد مخدر صنعتی) اضافه گردیده است (نمودار ۲).

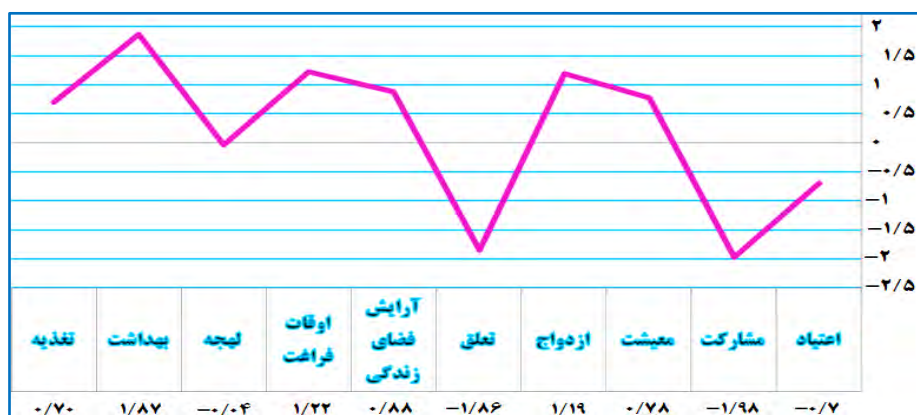


نمودار ۲- وضعیت دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری طایفه بایاری در نوع مواد مخدر مصرفی

Source: Research Findings

بررسی شدت تغییرات مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی، در دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری طایفه بایاری بیانگر وجود اختلاف در نوع و سطح تغییرات این مؤلفه‌هاست (نمودار ۳). در این راستا، بیشترین تغییرات در دو مؤلفه‌ی سطح مشارکت و بهداشت بوده است. در واقع، در نسل بعد از انقلاب با کاهش تعلق خاطر جوانان به زندگی عشایری و با خروج آنان از جامعه عشایری و افزایش مشغله و گرفتاری‌های زندگی امروزی، افراد کمتر موفق به مشارکت و کمک به سایرین هستند و نتیجتاً میزان مشارکت در نسل حاضر بسیار افت نموده است. با

این وجود، جامعه عشایری بعد از انقلاب در مؤلفه‌هایی همچون سطح بهداشت، بسیار بهبود یافته و در نتیجه نوع این تغییرات مثبت شده است.



نمودار ۳- شدت تغییرات مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی در دو نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری طایفه باباری
Source: Research Findings

نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهشی

تغییرپذیری، اصلی‌ترین مشخصه زندگی اجتماعی در دنیای امروز است. اما وجه تمایز آن نسبت به گذشته، شتاب‌گیری و گسترش تغییرات در حوزه‌های بیشتری از زندگی می‌باشد. سبک زندگی از حوزه‌هایی است که با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و گسترش ارتباطات، در معرض تغییرات اساسی و شتابان قرار گرفته است. در این راستا، عشایر ایران نیز از این تغییرات مصون نبوده‌اند. در واقع، جامعه عشایری، در مرحله گذار از سبک زندگی سنتی به سبک زندگی نوین قرار دارد و با برخورداری از دستاوردهای فناورانه دنیای مدرن، زندگی جدیدی را تجربه می‌کند. بر این اساس، تحقیق حاضر با به کارگیری روش‌شناسی توصیفی-پیمایشی، به بررسی این گذار از منظر تغییرات نسلی در جامعه عشایری باباری استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، جامعه عشایری باباری در طی دهه‌های اخیر، دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است و فروپاشی و اضمحلال بدون برگشت سبک زندگی این جامعه عشایری، زمینه بریدن از گذشته و روی آوردن آنها به آینده‌ای دیگر را چنان سرعت بخشیده است که اگر برنامه‌ای برای آن ریخته نشود، در نهایت به اضمحلال سبک زندگی آنها منجر خواهد شد. در این راستا، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین نسل قبل از انقلاب و نسل کنونی جامعه عشایری مورد مطالعه، تفاوت معناداری از نظر مؤلفه‌های سبک زندگی وجود دارد و تفاوت‌ها به قدری شدید است که به شکاف و گسست نسلی منجر شده است. در این راستا، با وقوع تغییرات گوناگون تکنولوژیکی، افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات جمعی (رسانه‌های عمومی، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی) و افزایش تحرک جغرافیایی، شاهد تحولاتی هستیم که موجب تغییر در جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها شده، تفاوت ارزشی مشهودی را بین نسل پیش از انقلاب و نسل فعلی نمایان ساخته است و با ورود گزاره‌های ارزشی، مبانی نظام ارزشی نسل جدید متحول گشته است. در واقع، در جامعه عشایری مورد مطالعه، فاصله‌ی نسل‌ها و تبعات ناشی از آن در شئون زندگی فردی و اجتماعی افراد طایفه به‌وضوح عیان گردیده است. به نحوی که نسل جدید در زندگی اجتماعی خود با تغییرات دائمی مواجه می‌گردند که موجب تقابل و سردرگمی آنها می‌شود. به

عبارت دیگر، نبود سیستمی برای جذب تغییرات و بومی کردن آن، نابرابری دسترسی به اطلاعات، انجماد فکری درباره لزوم پذیرش تحول و بدبینی در خصوص مظاهر دنیای جدید، تغییرات گسترده و عمیقی را در نسل کنونی مشهود ساخته است که ادامه این روند، بستری را برای ایجاد پیامدهای متنوع به وجود آورده است. در این راستا، با تقسیم شدن دام بیشتر خانوارهای عشایری در بین وراث آن‌ها، از بازده و سود حاصل کاسته شده و دامداری در بسیاری از آنها، صرفه‌ی اقتصادی خود را از دست داده است. این در حالی است که تمایل نسل‌های جدید نیز به شیوه‌های قدیمی تولید دامپروری نیز کاهش یافته و امیدی به آینده آن ندارند که این امر سبب افزایش مهاجرت‌های فصلی و موقتی جوانان عشایر به روستاها و شهرهای اطراف جهت کسب درآمد و خرید کالاهای مصرفی می‌شود. شرایط فوق، علاوه بر اینکه امکان بروز آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد، در درازمدت موجب خالی شدن جامعه عشایری از نیروی کار فعال شده و از طرفی بر میزان سرانه تولیدات گوشتی کشور هم تأثیرگذار خواهد بود.

بر اساس نتایج پژوهش، تغییر در عملکردها و عادت‌واره‌های نسل جدید موجب بروز تمایزات، پیدایش قواعد و هنجارهای جدیدی شده است که نتایج حاصل، همسو با نتایج مطالعات رونالد اینگلهارت (۲۰۰۴) می‌باشد. از طرف دیگر، والدین اگرچه تا حدودی زندگی سنتی را در پیش گرفته‌اند، اما به نوعی فرزندان را در انتخاب سبک زندگی جدید همراهی می‌کنند. همچنین مسیر تغییرات سبک زندگی به سمتی می‌باشد که تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی افزایش یافته است. این تمایلات موجب گردیده تا عشایر، درصدی از درآمد خود را به خرید کالاهایی اختصاص دهند که بعضاً بیش از آنکه ضرورت کارکردی داشته باشد، ضرورت تزئینی و تجملی دارد. این نتایج نیز منطبق با یافته‌های تحقیق از کیا و حسینی (۱۳۸۷) می‌باشد. همچنین تنوع در نوع فعالیت‌های فراغتی نیز از تفاوت‌های دیگری است که در بین دو نسل دیده می‌شود. نسل قبلی، فعالیت‌های فراغتی خود را بیشتر به صورت سنتی سپری می‌کرد؛ اما در گذران اوقات فراغت نسل امروزی، تکنولوژی‌های جدید از جایگاه خاصی برخوردارند. در نسل گذشته، تمایز دقیقی میان کار و فراغت دیده نمی‌شد و بسیاری از فعالیت‌های فراغتی جنبه‌های اقتصادی داشته‌اند. اما در میان نسل جدید، تمایز میان فراغت و آموزش از بین رفته است. همچنین در زمینه‌ی شیوه‌ی انتخاب همسر، تمایل جوانان به آزادی بیشتر، استقلال تصمیم‌گیری در زمینه‌ی انتخاب همسر و ترجیح این انتخاب در بیرون از شبکه خویشاوندی وجود دارد. هرچند هنوز هم نظر و شرایطی که خانواده‌ها در انتخاب همسر مطرح می‌کنند حائز اهمیت است. نتایج حاصل در این زمینه نیز با یافته‌های شارما و همکاران (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، بر اساس پژوهش‌های پیشین همچون صلاحی اصفهانی و خجسته‌نسب (۱۳۹۳)، یکی از مشکلات بین نسل‌ها، عدم درک متقابل نسبت به نیازها، آرزوها، شرایط و محدودیت‌های یکدیگر می‌باشد که این امر در جامعه عشایری بایاری نیز قابل ملاحظه می‌باشد. لذا تقویت مهارت‌های تربیتی والدین و فرزندان از طرق مختلف به‌ویژه ارائه آموزش‌های خانواده می‌تواند در کاهش شکاف نسلی بسیار مثر به‌ثمر باشد. برای تحقق این مهم بایستی زبان تعصب و تحکم نسل والدین به زبان منطق و همدلی تبدیل شود و از بسترهای فرهنگی و آموزش موجود برای انتقال صحیح و درست ارزش‌ها استفاده شود. در این صورت است که نسل جدید را پذیرا و مشتاق ارزش‌ها و هنجارهای نسل والدین خواهیم یافت.

با توجه به نتایج حاصل، ضرورت تدوین و اجرای برنامه‌های متناسب در جهت کنترل تغییرات نسلی جامعه عشایری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این راستا، توجه به نقش وسایل ارتباط‌جمعی و مراکز آموزشی در ترویج صحیح ارزش‌ها و باورها الزامی است. به عبارت دیگر، با شناخت جایگاه رسانه‌ها در جامعه‌پذیری، بایستی در جهت ارائه و انتقال محتواهای فرهنگی برای تقویت فرهنگ و پالایش عناصر فرهنگی جامعه عشایری و انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده تلاش نمود تا شکاف نسلی که حاصل متغیرهای بسیاری از جمله رخنه رسانه‌ها در فرهنگ و جامعه است، کاهش پیدا کند. همچنین برگزاری مستمر و منظم کلاس‌های آموزشی برای خانواده‌های عشایر برای تبیین هر چه بیشتر خطرها و زیان‌های جبران‌ناپذیر مصرف مواد مخدر و تسهیل در امور درمان بیماران اعتیاد، آموزش مهارت‌های زندگی، ارائه خدمات آموزشی، توجه به سازمان‌های غیردولتی، مردمی و محله محور (NGO و CBOها) به این طوایف و معرفی بیش از پیش جامعه عشایری به آحاد جامعه مورد تأکید می‌باشد.

به هر حال، نقش عشایر در اقتصاد کشور، نقشی بی‌بدیل است. زیرا جامعه عشایری جامعه‌ی مولدی است که در هر شرایطی به تولیدات خود ادامه می‌دهد. در تحریم‌ها بسیاری از کارخانه‌ها بسته شدند. اما در آن شرایط، فرایند تولید در جامعه عشایری بدون تأثیرپذیری از تحریم‌ها تداوم داشته است. ولیکن مشکل اصلی این است که هیچ‌گاه دستگاه‌های اجرایی، برنامه‌ی جامعی برای عشایر ندارند و سبب ذوب شدن عشایر در روستا شده‌اند. درحالی‌که عشایر نسخه خاص خود را می‌خواهد. نسخه روستا و شهر در عشایر جا نمی‌شود. در این راستا، با توجه به اینکه تغییر سبک زندگی جوانان عشایری در قالب عدم تمایل به ادامه شیوه عشایری، بازتاب‌های خاص خود را در جامعه خواهد داشت، برنامه‌ریزان توسعه می‌بایست متناسب با تغییرات در حال وقوع و پیامدهای آتی این تغییرات در جامعه برنامه‌ریزی کنند.

References

- Abbasiasfjir, A. A., Sam, S. & R, Amiriyar. (2013), Generation gap in values, comparative study of youth and the elderly. *Iran Social Studies*, Vol. 10, No. 38, pp. 162-185. [In Persian]
- Akhundi, M. (2012), From Lifestyle to Lifestyle, *Journal of Porseman*, No. 121, pp. 18-20. [In Persian]
- Anabestani, A., Shaian, H, & S, Ahmadzadeh. (2011), Estimating the amount of women's participation imported from social capital in rural areas (Case Study: Darzab Dehastan of Mashhad country), *Journal of Geographical Sciences*. Vol. 18, No. 21, pp. 69- 90. [In Persian]
- Arjmand Siahpush, I, & M, Heidari Zargush. (2012), Effect of communicational means on the lifestyle of rural and nomadic life in Gilan-e-Gharb, *Journal of Social Development Studies*, Vol. 4, No. 4, pp. 89-103. [In Persian]
- Ashoori, J. (2014), Islamic lifestyle, on solution to generation gap of families. *Journal of Social Studies*, Vol. 20, No. 1, pp. 81-102. [In Persian]
- Azad Ermaki, T. (2001), Intergenerational gap in Iran, *Iranian, Sociological Association, Iranian Society of Sociology*, No. 4. [In Persian]
- Azad Ermaki, T, & Gh. R, Ghaffari. (2004), *Generational Sociology in Iran*, [In Persian], Tehran, Jihad daneshgahi of Tehran (Institute of Humanities and Social Sciences).
- Azkiya, M, & S, Hoseini Roodbaraki. (2010), The Survey of Generational of Changes of Lifestyle in Rural Society Case study: Ahangar Mahalleh village in Gorgan. *Social Welfare Quarterly*, Vol. 10, No. 37, pp. 241-264. [In Persian]
- Battamour, T.B, Translator: Mansour, Hassan. (1991), *Basics of Sociology*, [In Persian], Tehran: Amir Kabir Publications.
- Bayangani, B., Irandost, F., & S., Ahmadi. (2013), Lifestyle from the perspective of sociology (Introduction to the concept of lifestyle). *Cultural Engineering*, Vol. 18, No. 77, pp. 56-74.

- Bustani, D., & M, Chari Sadegh. (2013), Study of generation's value structure and content (Case study over 18 years old citizens of Kerman). *The Socio-Cultural Strategy Journal*. Vol. 2, No. 6, pp. 7-41. [In Persian]
- Emami, P. (2011), *Human Position in Society*, [In Persian], Tehran: Fard Publications.
- Evans, D, & T. D. Jackson. (2007), *Towards a Sociology of Sustainable lifestyles*. Resolve Working Paper Series 3.
- Farhadian, F., F. Farhadian Babadi, & F. Heidari. (2016), Rural life stule and generational change it: babadi clan from bakhtiari nimads. *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, Vol. 8, No. 3, pp. 2201-2219.
- Fazelghaneh, H. (2013), *Lifestyle based on islamic teachings (with media approach)*, Tehran: Islamic Center of Media Research. [In Persian]
- Fazeli, M. (2003), *Consumption and lifestyle*, [In Persian], Qom: Sobh Sadegh Publication.
- Featherstone, M. (1991), *Consumer Culture & Postmodernism*. Sage Publication, London.
- Giddens, A. (2003), *Modernity and Detachment of Society and Personal Identity in the New Age*, Translated by Nasser Muvaffaghian, Tehran, Ney publication. [In Persian]
- Chang, J. H. Y. (2010), The values of Singapore's youth and their parents: A case challenging the adequacy of Inglehart's interpretation of top value priorities derived from World Values Surveys. *Journal of Sociology*, Vol.46, No. 2, 149-168.
- Hosseini Abri, H. (2001), *Geographical View on Rural Development*, Andisheh-e-Hozeh, Year 7, Issue 3, pp. 1-21. [In Persian]
- Inglehart, R, Translator: Watr, Maryam. (2003), *Cultural Change in Advanced Industrial Society*, [In Persian], Tehran: Kavir Publications
- Jajarmi, K. (1998), *Young Generation, Structural Characteristics of the New Generation*, [In Persian], Tehran: Foundation for Asian Studies.
- Kamarbeigi, K. (2010), Generational gap and transitional societies (studying and explaining the problem of generation gap in Ilam). *Journal of Ilam Culture*, 27, pp. 186-216. [In Persian]
- Klamki, H. (2008), Comparison of religious values of the two new and previous generations in Iran, *Journal of Information and Book Science, Cultural Research Letter*, Vol. 12, No. 2, pp. 171-191. [In Persian]
- Majdi, A. A. (2010), *Young people's lifestyle living in Mashhad*, PhD thesis, Faculty of Literature, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Poriani, M. H. & A. M, Islami tarazjani. (2013), A Comparative Study of the Developments of Religious Values and Beliefs Between the Today and Past Generations of Youth and Their Parents in Yazd county, *Social Studies in Iran*, Vol. 10, No. 38, pp. 72-99. [In Persian]
- Pishdadfar, F. (2008), Wedding ceremony in Tojan village of Hormozgan province, *Journal of Iranian Culture*, No. 15, pp. 151-163. [In Persian]
- Rafiee Jirdehi, A. & R, Habibzadeh Khotbehsera. (2013), Social capital of the young generation and the old generation and effective factors on its erosion (among the citizens of the new and old generations of Rasht), *Journal of Socio-cultural Development Studies*, Volume 2, Number 4, pp. 127-153. [In Persian]
- Saboori Khosroshahi, H. & N, Tavakolnia. (2012), The Impact of National Media on Generation Gap, Vol. 7, No. 19, pp. 109-119. [In Persian]
- Safa, Sh, Firoozabadi, A. (2009), *A Study on the Development of the of Pistachio Gardens and its Impact on Lifestyle (Case Study of Khalilabad Village in Sirjan County)*, Tehran University. [In Persian]
- Salahi Esfahani, G. & T. H., Khojasteh. (2014), Changes in tho nomadic community lifestyle of a generation (case study: Winter Quarters of Charebolagh of Saveh). *Geography*, Vol. 12, No. 40, pp. 161- 185. [In Persian]
- Saraei, H. & S. Oujaghlo. (2013), A Study of the Generation changes of Marriage Value in Iran (Case Study of Women in Zanjan), *Journal of Social Development Studies in Iran*, Vol. 5, No. 4, pp. 19-49. [In Persian]
- Saroukhani, B. & M, Sadaghatifard. (2009), Generation gap in the Iranian family (views and insights), *Journal of Social Sciences*, Vol. 3, No. 4, pp. 7-32. [In Persian]

- Shadfar, H. & B, Jamali Zavareh. (2013), A solution to the generation breakdown in the family, the revival of the Islamic lifestyle, the conference on the Islamic lifestyle of the municipality of Tehran, pp. 537-563. [In Persian]
- Shahabi, M. & M. S, Zokaei. (2012), Lifestyle Analysis in Today's Society of Library, Social Sciences, No. 60, pp. 4-13. [In Persian]
- Sharma, N., V. Sumati & A. Kesar (2005), Intergenerational Differences in the Concept of Marriage among Dogra Brahmin Females (Mothers and Daughters) Anthropologist, Vol. 7, No. 4, pp. 253-256.
- Tavakol, M., & M., Ghazinejad. (2006), Generation gap in sociological macro approaches, Social Sciences Letter, No. 27, pp. 95-124. [In Persian]
- The gubernatorial of Cheram County (2016), Report of the geographical situation of Cheram County. [In Persian]
- Vauclair, C., M. Hanke, K. Fischer & Fontaine, J. (2011), The structure of human values at the culture level: A meta-analytical replication of Schwartz's value orientations using the Rokeach Value Survey. Journal of Cross-Cultural Psychology, Vol. 42, No. 2, pp. 186-205.

